

# کانون

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
اخبار داخلی - شماره ۹ (دوره دهم)  
آذرماه ۲۵۳۶







روز یکشنبه ۲۰ آذرماه از کتابخانه شماره ۱۳ کانون در پارک نیاوران بازدید کردند. در این بازدید توضیحات لازم به وسیله مسئولان مربوط داده شد و در پایان از سوی کانون هدایائی به ایشان تقدیم گردید.

این پیروزی را به ایشان و اعضای هنرمند کتابخانه های منطقه اصفهان تبریک می گوئیم و امیدواریم در آینده شاهد موفقیتها و پیروزیهای بیشتر آنان باشیم.



اهدای جوایز کتابخانه های اصفهان توسط استاندار اصفهان

## بازدید از کتابخانه نیاوران

بانو «سنه» همسر وزیر فرهنگ کشور سنگال که به مناسبت برنامه ی آشنائی با هنر آفریقای سیاه به دعوت بنیاد شهبانو فرح از ایران دیدار می کردند، صبح

## برندگان نمایشگاه آثار نوباوگان و جوانان کشور در اصفهان

در آبان ماه طی مراسمی، ده تن از اعضای کتابخانه های اصفهان جوایزی دریافت داشتند، این جوایز توسط استاندار اصفهان به اعضاء اهدا شد. مربی برندگان آقای جواد سپهری نژاد است که صمیمانه کودکان و نوجوانان منطقه اصفهان را در امور هنری یاری می دهد.

کتابخانه های این منطقه بزرگترین رقم جوایز را به شرح زیر بخود اختصاص داده اند:

۹۸ یادبودنامه

۱۰ دیپلم افتخار

۱۰ مدال مخصوص نمایشگاه

۱۰ سکه پهلوی

۱ ماشین حساب ترانزیستوری

به منظور قدردانی از بهترین مربی یک دیپلم افتخار و لوحه مخصوص نمایشگاه نیز به آقای جواد سپهری نژاد تعلق گرفت.



# کانون در آستانه‌ی سیزدهمین سال



خاطره‌ای از افتتاح نخستین کتابخانه‌ی کانون



خاطره‌ای از نخستین فستیوال کودکان

دوازده سال پیش، در آذرماه، کانون بنیاد گرفت. داستان پدید آمدن، بال و پر گرفتن و گسترش کانون، برای آنها که با کانون امروز آشنا می‌شوند، داستانیست جالب.

آن روزها حتی خیال چنین کانون فرهنگی گسترده‌ای خیالی محال و آرزویی بلندپروازانه مینمود. چرا که در واقع هیچ چیز حاضر و آماده‌ای وجود نداشت، امکان باید کشف می‌شد، و این همت می‌خواست، همتی که انگیزه‌ای جز عشق به نفس کار فرهنگی و اعتقاد به ضرورت فرهنگ برای نسل جوان نداشت. در آن زمان، بودند کسانی که به طعنه و با منفی‌بافی می‌گفتند: بچه ایرانی کتاب می‌خواهد چه کار کند! اما کانون به ضرورت تعالی فکر و





### علیاحضرت شهبانو و سرکار خانم ارجمند در کتابخانه پارک فرح خاطرهای از ۱۳ سال پیش

در اولین سال فعالیتش هفت فیلم ساخت.  
تلاش‌های مبتکرانه دیگر، از پی آمد: آموزش  
موسیقی، تئاتر، هنرها...

دیگر کانون حقانیت هدف‌هایش را به اثبات  
رسانده بود، نسلی از تصویرگران، کارگزاران فنی،  
کارگردانان، نویسندگان در تلاش کانون سپیم شدند.  
«کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» دیگر  
نامی آشنا بود.

در همه‌جا، در شهرها و روستاها، و در دوردست-  
ترین کوهستانهای عشیره‌نشین.

دوازده سال تلاش، چشم‌اندازی تازه در برابر  
کانون گسترده است:

نسلی تازه که در میانشان تربیت یافتگان کانون  
کم نیستند - به خانواده کانون می‌پیوندند و کاری  
بزرگ به ثمر می‌رسد.

یاد یاران و همکاران قدیم، نخستین کوشندگان  
را گرامی داریم.

را خورد. هویج کم کم زرد می‌شد موش دوباره هم به  
گردش رفته بود. هویج از دور ماری دید و آنرا صدا  
زد و گفت مار بیابیا. مار نزدیک آمد و سلام کرد. و  
هویج گفت یک موش در کنار من خانه‌ای ساخته است  
و هرروز ریشه من را می‌خورد مار گفت الان سزای  
عملش را میدهم. مار و هویج باهم قول بستند که موش  
را بگیرند و او را تنبیه کنند. مار وارد خانه موش شد  
و وقتی که موش از دور آمد گفت: هویج هویج گشنه‌ام  
شده، گشنه‌ام شده. هویج چیزی نگفت موش وارد  
شد و مار او را گرفت و بیرون آمد و گفت هویج موش  
را گرفتم. هویج خوشحال شد و مار زندگی را بر  
هویج شاد و خوشحال کرد.

مسعود رئیسی - کلاس پنجم - عضو کتابخانه سیار  
ایل دشمن زیاری

گسترش فرهنگ کودکان و نوجوانان این سرزمین،  
اعتقاد راسخ داشت و در واقع، همین ضرورت بود  
که به کانون بال و پر داد تا بلندتر پرواز کند به  
آرزوهای دور از دسترس تحقق بخشد.

و «کانون» آنروزها، حلقه‌ای کوچک بود از یاران  
و همکاران همدل که صمیمانه می‌کوشیدند، نمونه‌ی  
عمل آنها شور و تلاش فروتنانه‌ی مدیرعامل ارجمندشان  
بود که در همه کارها، پیشگام و راهنما بود. همه با  
هم در تلاش یافتن کتاب برای بچه‌ها و بردن کتاب  
میان بچه‌ها بودند.

در تلاش یافتن و آموزش کتابدارانی برای کتابخانه-  
های آینده...

تا کانون پا گرفت، هرچند هنوز نوپا بود، اما در  
هرقدم، با هر تلاش تازه طرحی جسورانه می‌ریخت.  
در برابر هر مشکل، خود، راه حلی پیدا می‌کرد:  
نخستین کتابخانه‌ها، با همه‌ی دشواری‌ها گشوده  
می‌شدند اما کتاب خوب برای بچه‌ها، نداشتند.

کانون برای حل این مشکل «سازمان انتشارات»  
را تاسیس کرد، و اولین کتابش «مهمانهای ناخوانده»  
را در سی هزار نسخه بیرون داد.

نخستین عکس‌العمل‌ها، ناباوری بود اما موفقیت  
این کتاب و کتابهای دیگر کانون، جنبشی در کارنشر  
کتابهای بچه‌ها پدید آورد.

ناشرانی که چاپ کتابهای کودکان را خطر کردن  
می‌دانستند، ناگهان به نشر کتابهای کودکان روی  
آوردند.

سپس فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان در  
تهران، با موفقیت برگزار شد و کم کم وجهه‌ای جهانی  
یافت.

کانون، در پاسخ به نیاز به سینمای اصیل برای  
بچه‌های ایرانی یک مرکز سینمایی تاسیس کرد و

### قصه هویج و موش

یک هویج در مرغزار زندگی میکرد. یک موش هم  
در آنجا بود. روزی موش از دور چشمش به هویج  
افتاد نزد او رفت و گفت سلام برهویج آیا رخصت  
هست که کنار تو خانه‌ای برای خود بسازم. هویج  
گفت بله. موش مشغول ساختن خانه شد. وقتی که  
موش خانه خود را فراهم ساخت، هرروز قسمتی از  
ریشه هویج را می‌خورد. یک روز که موش به گردش  
رفته بود آمد و وارد شد و از ریشه هویج کمی خورد.  
هویج فریاد زد موش، موش چه کار میکنی موش گفت  
چیزی نمی‌کنم از تو گفت چه کار می‌کنی؟ گفت چیزی  
نمی‌کنم. روز دیگر که موش به گردش آمد گفت: هویج  
هویج گشنه‌ام شده گشنه‌ام شده. هویج چیزی نگفت.  
موش وارد شد و دفعه آخر هم نصفی از ریشه هویج



# کتابخانه های منطقه يك



## بازدید از نمایشگاه صفحه و نوار در کتابخانه کودک قصر شیرین

با قلم اعضاء آشنا شوید که کوششی است در جهت پویایی در کتابخانه.

● کتابخانه شماره يك رضائیه را در کنار دو معرفی کتابهای گل بلور و خورشید و کودک، سرباز، دریا در شناخت تئاتر ایران به اعضاء موفق می بینیم. کار جالبتر کتابداران استفاده از نمایش فیلم تیله جادو (از فیلمهای فستیوال) برای گفتگو با اعضاء است.

● کتابخانه مهاباد در اجرای برنامه داستانسرایی موفق است. بخصوص ابتکاری که ساخت عروسک در شکل دادن به فضاهای کتاب مهمانهای ناخوانده اعمال شده است. همکاران ما در این کتابخانه باید بیشتر به قوه فراگیری اعضاء توجه داشته و تدریجا به هدف نزدیک شوند.

● کتابخانه های مشکین شهر و شاهپور نیز بایستی با تعمق بیشتر در گزینش جریانهای فرهنگی کتابخانه بکوشند زیرا در این راه فقط نمی توان به مسایل کمی اکتفا کرد و لزوم برنامه ریزی دقیق و داشتن طرحی از پیش روی معقول در کارهایشان ایجاد خواهد کرد.

### ناحیه خراسان

● همانطور که در بررسی فعالیتهاى چند ماه قبل کتابخانه سبزوار اشاره داشتیم کار با ارزشی را در این کتابخانه شروع کرده بودند که عبارت از به تصویر در آوردن داستانهای منطق الطیر بود، این کار اکنون پایان یافته و در فرصتهای مناسب ۲ نفر از

● کوشش و تلاش همکارانمان در دومین ماه پائیز حکایتی دلچسب از روندی مطلوب دارد. شور و علاقه ای که خزان نمی شناسد. رفع نقصانها و کاستیها همیشه انگیزه تحرك بوده هرگز از این رهگذر توقفی حاصل نشده است. اما ویژگیهای کار فرهنگی حد و مرزی نمی شناسد ضروریست با بررسی گزارشهای رسیده صرفنظر از انتقادات و تأییدهای سازنده به فعالیتها پردازیم.

● در آبانماه آنچه فعالیتهاى همه گیر بوده است، پرداخت کتابخانه هایمان به بزرگداشت هفته کودک، در ارتباط با امر مهم کتابخوانی در سطحی گسترده در کشور است. از طرفی کوشش در برپایی فستیوال فیلمهای کودکان توسط همکاران ارزشمند بوده است. ● کتابخانه شماره دو رضائیه را با اجرای هشت برنامه داستانسرایی از کتابهای خوبی بهره گرفته (قصه گرم ابریشم، قلمکار) و همچنین معرفی والت دیسنی، بحث آزاد موفق می بینیم.

● کتابخانه خوی نیز کوششی پیگیر و مثمر را دنبال می کند. شناسایی گوگول و کتابهای وی، معرفی جامعی از کتابهای هوگو و ژوزفین، گل بلور و خورشید و میگال، نشست با اعضاء پیرامون کتاب کودک، سرباز و دریا پاسخی ارزنده به علاقه اعضاء در رویارویی همکارانمان بوده است. نگرشی به بیست و دو نشریه ای که همت اعضاء خوب کتابخانه را نشان میدهد.

● کتابخانه زنجان را چندان در انتخاب موضوع های داستانسرایی موفق نمی بینیم. ولی توجه همکاران در معرفی شخصیت آخوندزاده و کتاب تمثیلات مفید بوده است.

● کتابخانه تبریز از حیث کمیت و کیفیت توانسته ماه پرباری را سپری کند. اجرای شانزده برنامه داستانسرایی خوب از کتابهایی چون: بابا برفی، آهو و پرنده ها، توکایی در قفس، گل بلور و خورشید، معرفی شخصیتهایی چون نیما و دیگر راهگشایان ادب کودکان، شناختی خوب از یوجین اونیل، پوشکین و ساعدی و معرفی چند کتاب از انتشارات کانون نشان - دهنده علاقه و اعتقاد است.

● کتابخانه اردبیل با اعضاء خوب و قابل تحسینش به ارائه نمادهایی تازه از تحرك و شور و شوق می پردازد. کار تازه آنان نشریه ایست تحت عنوان



استان را با نحوه فعالیت کتابخانه‌های کودک آشنا ساخت و موجب شد که تعداد اعضا این کتابخانه‌ها افزایش چشمگیری داشته باشد. جمع بازدیدکننده از کتابخانه‌های خراسان ۶۲۷۰ نفر بود که در این میان تعداد ۵۵۰ نفر بازدیدکننده از کتابخانه تربت حیدریه، ۱۱۲۰ نفر از کتابخانه شماره ۲ مشهد، ۶۰۰ نفر از بجنورد، ۱۲۲۷ نفر از شماره ۱ مشهد و ۱۸۲۷ نفر از کتابخانه قوچان قابل ذکرند.

● کتابخانه زاهدان را نسبت بگذشته در ارائه کارهای فرهنگی موفق‌تر دیدیم. پیدایش خط‌مشی مشخص در پژوهشها و تحقیق‌های این کتابخانه و پروراندن دست‌آوردها جهت اعضا قابل ملاحظه است. اما شتابی در کارها دیده میشود. کیفیت درکار فرهنگی نمی‌باید تحت‌الشعاع کمیت قرار گیرد. روندها در این کتابخانه باید به تفکیک عرضه و بررسی گردد.

● همکاران کتابخانه زابل در انتخاب کتابها برای داستانسرایی موفق نبوده‌اند. اما بحث درباره کتاب تنگسیر، معرفی کتاب لك لك‌ها برپام و معرفی شخصیت دهخدا تا حدی پاسخگوی نیاز فرهنگی اعضای کتابخانه است.

● کتابخانه سراوان نیز گامهای مؤثری برمی‌دارد. شناخت ادبیات معاصر و ادبیات کودکان، توجهی به ایرج میرزا و اشعارش و پرداختن به کتاب شهر ماران جالب توجه است.

● تذکار این نکته ضرورست که ما برکوشش تمامی همکارانمان در کتابخانه‌ها آگاهیم اما برخی از کوشش‌ها برای هدفی شناخته با برنامه دقیق و از پیش پرداخته شده شکل می‌گیرد و برخی نیز بدون هدف صورت می‌پذیرد.

● کتابخانه رفسنجان بخوبی به معرفی نادر ابراهیمی و کتاب پسر ورود پرداخته که ادامه این راه پرداختن به ادبیات کودکان برای این کتابخانه مفید خواهد بود.

● در کتابخانه شهر بابک چنین پیداست که راه درستی در کارها پیدا شده و اینکار با بررسی ادبیات معاصر شکل گرفته است.

● از کارهای خوب کتابخانه بندرعباس می‌توان به اجرای برنامه‌های داستانسرایی و معرفی شخصیت باغچه‌بان توجه نمود.

● منصور حلاج در کتابخانه سیرجان با استفاده از رسانه‌های گروهی معرفی شده و معرفی کتاب قصه باغ مریم دیگر کار خوب کتابخانه است.

● کتابخانه بردسیر نیز پرداختنی خوب در معرفی فارابی، خواجه کرمان داشته است.

● متاسفانه کتابخانه شماره ۲ کرمان که از کتابداران خوبی هم برخوردار است هنوز شکل دلپذیری نیافته و گزارش را تنها با اجرای سه



### نقالی به مناسبت جشن فرهنگ و مردم در کتابخانه قصرشیرین

اعضا کار نقالی و داستانگوئی از منطق‌الطیر را بسا استفاده از تصاویر مذکور انجام میدهند، این برنامه در کتابخانه سبزوار آغازی است در راه شناخت بهتر فرهنگ ایران در چهارچوب برنامه‌های جدید که در آنها به مسئله جذب اعضا به‌شركت در برنامه توجهی خاص میگردد.

● در کتابخانه قوچان معرفی استاد محمد یگانه در دو نشست در منزل استاد و کتابخانه صورت گرفت. در این دو جلسه آقای یگانه ضمن پاسخگوئی به‌سئوالات اعضا، در زمینه هنرش در نواختن دوتار صحبت کرد و سپس راجع به اعتقاداتش در مورد سنتها و نیز ضرورت حفظ و نگهداری موسیقی اصیل ایرانی. تاریخ سفالگری موضوع مورد بحث کتابخانه شماره ۱ مشهد در آبانماه بود که در مورد چگونگی پیدایش و تکامل این هنر صحبت شد، در این برنامه روش درست کردن ظروف سفالی با دست توسط یکی از اعضا کلاس سرامیک کتابخانه به اعضا نشان داده شد، خلاصه این بحث همراه با عکسهائی متنوع به صورت نشریه رومیزی مورد استفاده سایر اعضا کتابخانه قرار گرفت.

● در کتابخانه شماره ۲ مشهد با توجه به جشن فرهنگ و هنر در زمینه معرفی کتاب انتخاب‌های مناسبی داشته‌اند: پرویز ناتل خانلری با استفاده از شماره‌های مختلف مجله سخن و تماشا، ناصر خسرو بسا استفاده از برگزیده ادب فارسی و ماهنامه تلاش، مجتبی مینوی با برداشتی از مجله سخن و تماشا، و دکتر عبدالحسین زرین‌کوب با استفاده از نشریات مختلف معرفی شدند. برنامه‌های بازدید از کتابخانه‌های خراسان در آبانماه که همراه بود با تشکیل نمایشگاه کتاب، نقاشی، نمایش فیلم، معرفی کتاب و صحبت راجع به کتابخانه‌های کانون، جمع‌کنیری از دانش-آموزان، اولیاء آنها و معلمان شهرستانهای مختلف این



داستانسرایبی ارسال داشته است.

● کتابخانه فومن توانسته به گوشه‌ای از ادب معاصر جهت نوجوانان راه گشاید و با معرفی کتاب ماهیگیر و دریا و در کنار آن بحث درباره آن جوابگوی کنجکاوی اعضا باشد. همچنانکه این نظر نیز با معرفی کتاب کلاغها جهت ارشاد کودکان عضو کتابخانه انجام گرفته است. کتابخانه لاهیجان در این ماه توجهی به سرزمین افریقا و هنرهای این قاره داشته و اعضا در بحثی پیرامون احوال امیرکبیر شرکت کرده‌اند.

● کتابخانه صومعه‌سرا نیز کوششی در جهت اجرای برنامه‌های خوب داستانسرایبی داشته که با معرفی کتابهای سپید دندان و ماهیگیر و دریا کار خود را به پایان برده است. کتابخانه کوچصفهان با کاری خوب از اعضا که بصورت نشریه‌ای شکل گرفته است، معرفی ناصر خسرو و گنج‌نیدن اشعار وی در برنامه شعرخوانی توانسته شناختی از شعر گذشته باشد.

● کتابخانه غازیان به معرفی علی نصیریان پرداخته، اما چنانچه در نشریه‌شان تفحص و پرداختی به تاتر ایران داشتند این معرفی شکل مطلوبتری بخود میگرفت.

● کتابخانه رودبار را هماهنگ در عرضه کارهای فرهنگیشان دیدیم و شناخت ضرورت پرداختن همکاران به کودکان و نوجوانان کتابخانه به خوبی احساس میشود.

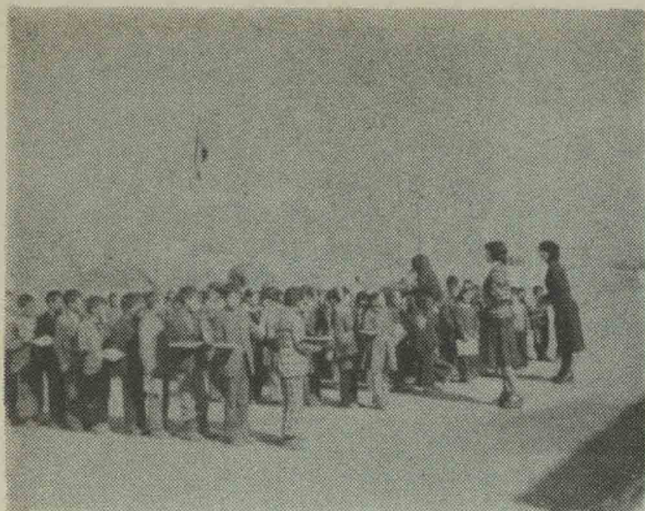
● کتابخانه بندرپهلوی روندی مطلوب در شناخت ادب و خصوصیات اقلیمی کشورمان داشته‌اند که این مهم را با معرفی شخصیت پورداود، بهزاد و معرفی کتاب نظری به بلوچستان و معرفی چاپکسر دنبال کرده‌اند. چنانچه در اینکار با توجه به دوران تاریخی و با ضوابطی دقیق و برنامه‌ریزی‌بخشی از برنامه‌های کتابخانه تخصص‌یابد روشی مفید خواهد بود.

● کتابخانه آستارا در کنار معرفی فریده فرجام کتاب میهمانهای ناخوانده، اثری از وی بنام تاجماه را معرفی کرده‌اند.

از کارهای خوب کتابخانه آستانه اشرفیه معرفی کتاب چگونه انسان غول شد و بحث پیرامون کتاب داستان سیمرغ قابل ذکر است.

● کتابخانه کودک رشت نیز حاصلی خوب داشته است. معرفی کتاب «اینچه ممد» و معرفی نویسنده‌ی آن «یاشار کمال» و معرفی سرزمین ترکیه، حکایت از ایجاد یک رابطه‌ی معقول دارد. معرفی باغچه‌بان و بحث پیرامون ادبیات کودکان به گونه‌ای خاص و معرفی کتاب آیا بشر آینده‌ای هم دارد جهت اعضا نوجوان مفید واقع شده است.

● کتابخانه‌ی کودک شاه‌آباد غرب چون همیشه



### توزیع کتابهای کانون در روستای شاماسبی اردبیل

روالی منطقی را دنبال می‌کند. همکارانمان در این کتابخانه پرداختی داشته‌اند بر ادبیات روسیه و معرفی سرزمین روسیه، با معرفی داستایوسکی، بلینسکی، گوگول و معرفی کتاب تصویر، اما از ادب کشورمان نیز غافل نبوده‌اند و معرفی ساعدی و کتاب کلاته‌نان را در برنامه قرار داده‌اند. بهر حال به فکر اعضا خردسال نیز بوده‌اند (با معرفی کتاب چه کسی به چشم پسرک عینک زد و بحث کتاب «باهم»).

● کتابخانه‌ی شماره یک کرمانشاه نگاهی به تاریخ ایران زمین را دنبال می‌کند. با معرفی بابک خرم‌دین، ابومسلم خراسانی و در جوار آن به معرفی کتب بابک خرم‌دین و نهضت سربداران خراسان و حسن صباح، شهرستان نیشابور به این بهانه شکل گرفته است. مسلماً جذابیت آن با تحقیق از منابع تاریخی ایران خواهد بود.

● کتابخانه‌ی ایلام را نیز با تجدید نظر کلی در کارهای فرهنگی دیدیم و امیدوار کننده. بهر حال کارهای فرهنگی و جذبه‌های آن شوق می‌خواهد و علاقه و زمینه‌هایی برای بازدهی مطلوب که چنانچه همت یاری کند موفقیت و موثر بودن دور نخواهد بود.

● کتابخانه‌ی کودک بروجرد را نیز پسر جنب و جوش دیدیم با کارهای تحقیقی در مورد شناسائی شخصیت‌هایی چون نظام‌وفا، کمال‌الملک، شون اوکیسی و کتاب سنجابها و پرداخت به فرهنگ مردم بروجرد با معرفی کتاب متلی از متل‌های بروجردی که حکایت از برنامه‌های خوب دارد و نشریه‌ی جالب‌گروه فیلمسازی.

● کتابخانه‌ی همدان چون همیشه بازده فرهنگی مطلوبی جهت اعضا داشته است این کوشش‌ها نشان دهنده‌ی تدبیر و دانش و بینش و همگامی و ایجاد



● کتابخانه‌ی خرم‌آباد ضمن معرفی کتابهای اتوبوس مدرسه، حقیقت و مرد دانا به مسائل فرهنگی مورد علاقه‌ی اعضای پرداخته است.

و اما فراموش نکنیم، همه‌ی اینها که ایجاد محیطی زنده در کتابخانه‌ها را به دنبال دارد برای چیست؟ ارائه‌ی برنامه‌های دیواری و گروهی و جلب اعضای در فعالیتهای گروهی، تشویق آنان بشرکت در کلاسهای هنری برای ایجاد مراکز فرهنگی پرباری است که در آن دهها هزار کتاب در میان کودکان و نوجوانان دست به دست گردد و سطح دانش و بینش آنها فزونی یابد. دقت کنیم تا هرچه بیشتر کتابخانه را برای کودکان و نوجوانان دلچسب سازیم.

● در ارتباط با مطالعه، تحقیق، و نقد کتاب، از سوی همکارانمان در آذربایجان، زنجان، غرب، گیلان، کرمان و هرمزگان و مازندران در ماه گذشته نوشته‌هایی نیز بدستمان رسیده است که ضمن تشکر از همگامی آنان به ذکر نامشان می‌پردازیم. به این امید که همچون گذشته در ادامه راه نیز همراه ما باشند تا بتوانیم در انعکاس نظرها و نقدهایشان سهم‌شایسته‌ای داشته باشیم.

● ناحیه‌ی آذربایجان: خانمها، ثریا طهماسبی، کلثوم واحدی، مهداد، حمداله‌زاده، فیاضی، پهلوان، صفی نازلو، مهندس زاده، صباغی، ملکی، متولی، بهروزیان.

● ناحیه‌ی غرب: خانمها، اشرف مودتی، شهلا عین‌القضاتی، دوستوندی، گهواره‌ای، خدیجه مرادیان، چرمی، رحیم‌پور، زهتاب، فرازی، مظفری و تعدادی کار خوب بی‌نام از کتابخانه‌ی خرم‌آباد.

● ناحیه‌ی گیلان: خانمها، عبداللهی، نصیرمسلم، خسروی، نایب‌زاده، موسوی، زارع رضایی، نسرین رضایی، مطلق‌زاده، احمدنژاد، صیاد، مسافری، هوشمند منصور، مقدم، حسابی، ارومی، فاطمه رضابخش، زهرا نایب‌زاده، میرزایی، پوررحیمی، فریده سلیمی، عالیه رضا بخش، ارقون، ولی‌نژاد، جمشیدی.

● ناحیه‌ی کرمان: خانمها، فاطمه میررشیدی و اشرف اسماعیل‌زاده.

● لازم به یادآوریست که به علت تراکم مطالب و نقدهای رسیده، در اینجا به گوشه‌هایی از نقدهای برگزیده اشاره‌هایی خواهیم داشت. به این امید که دوستان دیگرمان نیز سعی کنند در ادامه‌ی راه، با ارسال نقدها و نظرهای خود با ما همگام شوند:

### ★ قصه‌هایی از باله:

«کلا این کتاب از لحاظ ترجمه و به عبارتی تالیف آن بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. چنانکه از ترجمه‌ی کتاب مذکور برمی‌آید، مترجم تسلط کافی بر زبان



### هجسه ملانصرالدین کار اعضای کتابخانه شماره ۲ کرمانشاه

رابطه‌ی معقول فرهنگی بین همکارانمان و اعضای است. ● کتابخانه‌ی شماره ۲ کرمانشاه نیز تتبعی در ادب و هنر فرانسه داشته است که حاصل این کنکاشها مسلماً بی‌تأثیر در راهیابی اعضای به پهنه‌ی غنی ادب فرانسه نخواهد بود. از این رهگذر آنچه به‌عنوان توشه فرهنگی برخوردار خواهند گرفت در ارتقاء سطح کیفی و ذهنی و دانش و بینش آنان با ارزش خواهد بود. این‌اندیشه را بخصوص مقالات نشریه‌ای که گروهی از اعضای تحت عنوان «ارمغان» و «امپرسیونیست» تدارک دیده‌اند، قوت می‌بخشد.

● کتابخانه‌ی کوچک بانه تنها به امور فرهنگی می‌اندیشد و بارور کردن اعضای خود را تنها خط‌مشی سازنده دانسته و بدان توجه می‌کند. با تحقیق، دست‌آوردهای مطلوب را بشکلی قابل جذب در برنامه فرهنگی گنجانده است. شناخت ایتالیا و ادب و هنر آن و معرفی دانته، در کنار پرداختن به کودکان از طریق معرفی کتابهایی مناسب برای آنها مورد توجه قرار گرفته است.

● کتابخانه‌ی سنندج را نیز در برقراری رابطه‌ی فرهنگی با اعضای خویش موفق می‌بینیم.



فرانسه نداشته و تنها بر مبنای زبان انگلیسی کتاب را ترجمه کرده است و گاه نیز در مورد بکار بردن اصطلاحات باله اشتباهات بسیاری در متن کتاب دیده می‌شود که این خود نشان می‌دهد که به چه علتی نثر کتاب مغشوش و ملال‌آور شده است!

«مینا پور رحیمی - کتابخانه‌ی لاهیجان»

#### ★ اوژنی گرانده:

رمانی است که در آن از وجود يك عشق در قلب دختری جوان سخن می‌گوید. عشقی که آنقدر عمیق و ریشه‌دار می‌شود تا زندگی و همه چیزهای زندگی را زیباتر جلوه می‌دهد و همه‌ی درهای بسته‌ی دنیا را بر روی این دختر می‌گشاید... و دختر در این راه تا مرز حماسه‌ها پیش می‌رود.

«خدیجه یکتا ترقی - کتابخانه‌ی کوچصفهان»

#### ★ عشق بی‌بیرایه:

«... سرانجام «ماریا» همسرش را که از جبهه‌ی جنگ به بیمارستان انتقال یافته بود می‌بیند. پیش از اینها به او گفته بودند که همسرت مرده است. اما رئیس بیمارستان به او خبر می‌دهد که گریگوری زنده است... گریگوری را به خانه می‌برند... و ماریا و گریگوری هر دو در می‌یابند که مدار اصلی تمامی بیمه‌ها، امیدها، شادیها، غمها، جنگها، آشتی‌ها و همه و همه چیز «عشق» است.»

«رضا بغش - کتابدار آستارا»

#### ★ عبدالرزاق پهلوان:

اصل قصه، يك افسانه‌ی قدیمی است کاری که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کرده است، بازنویسی افسانه، به زبان ساده است. بنابراین اگر بخواهیم از دیدگاه فکری روی آن بحث کنیم، این بحث باید بر اساس شناخت تاریخی افسانه‌ها باشد، تا با استفاده از این شناخت درباره‌ی درستی یا نادرستی بازنویسی آن قضاوت کنیم. این کتاب با معرفی شخصیت‌های قصه شروع می‌شود که تمامی آنان دارای ماهیت تاریخی هستند.

هدف اصلی قصه «پیروزی خوبی‌ها بر بدی‌هاست». نویسنده (بازنویس) یا روایتگر آن از شخصیت‌های کتاب فقط به عنوان يك شیئی استفاده می‌کند...»

فریده فخیم‌زاده - عضو کتابخانه‌ی کودک بندرپهلوی

#### ★ جزیره‌ی پنگوئن‌ها:

«آنا تول فرانس، نویسنده‌ی توانای فرانسه تصمیم می‌گیرد کتابی تاریخی بنویسد در مورد تاریخ ملت فرانسه که تنها به وقایع خشک حکومتها اکتفاء نکند بلکه نقش طبقات اجتماع را در این تاریخ مشخص سازد. اشخاص و قهرمانان را به حکم کارها، و

اعمالشان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و بجای وقایع نگاری بیشتر به طبقات اجتماعی و سیر تمدن و فرهنگ و اقتصاد هر عصر بپردازد.»

«در کتاب جزیره‌ی پنگوئن‌ها، برای اینکه از هرگونه سوءظن دور باشد يك ملت خیالی بنام پنگوئن‌ها می‌سازد و نامهای مستعاری برای این ملت می‌سازد که در واقع همان تاریخ ملت فرانسه است.»

افسر مظفری - کتابخانه‌ی شماره ۲ کرمانشاه

#### ★ سپید دندان:

«سپیددندان مشهورترین کتاب جک‌لندن نویسنده‌ی مشهور آمریکائی است. طی چند کتابی که تاکنون از این نویسنده خوانده‌ام چنین استنباط می‌کنم که جک‌لندن عشقی شورانگیز به حیوانات دارد. کتاب‌های او انباشته از عشق و علاقه‌ی او است به جانوران. به نظر من سخن گفتن از زبان جانوران کار تازه‌ای نیست، در گذشته نیز آدمها برای دیگران، بخصوص برای کودکان خود حکایت‌های شیرینی از زبان حیوانات نقل می‌کردند. ولی در داستانهای جک‌لندن - بویژه سپیددندان - مسئله به گونه‌ای دیگر است. ما از زبان حیوانات این کتاب چیزهایی می‌شنویم که انکار برآستی از زبان خود آنهاست.»

«بهجت رحیم‌پور - کتابدار کتابخانه‌ی همدان»

#### ★ حقیقت و مرد دانا:

«حقیقت و مرد دانا» داستانی است از رسیدن به حقیقت و شعور و آگاهی. داستانی است از رسیدن به سوی مرزهای آگاهی و مرزهای روشن زندگی. در این داستان پس‌رکی در جستجوی حقیقت است. وی میخواهد بفهمد که حقیقت چیست...»

«حقیقت در هر چیزی هست. با هرچه که روبرو میشویم می‌توانیم حقیقتی در آن ببینیم. حقیقت را باید در میان آدمها جست. حقیقت چیزی مافوق بشری نیست، بلکه در میان آدمهاست و بیرون از بشر نمی‌تواند وجود داشته باشد. و به همین روست که عاقبت پس‌رکی که در جستجوی حقیقت بود دانست که در میان آدمها بودن و درد آنها را فهمیدن و به کمال رسیدن، حقیقت است. حقیقت محض.»

«شمه‌لا عین‌القضاتی - کتابدار همدان»

#### ★ آوسنه‌ی بابا سبجان:

«... کتاب «آوسنه‌ی بابا سبجان» از يك خانواده کوچک و کانون گرم آنها، شروع و به يك ویرانگی کامل ختم می‌شود. در این داستان، شاهد حوادث بسیاری هستیم. در ساخت و پرداخت شخصیت‌افزادی که در این کتاب نقشی دارند، عوامل مختلفی دخیل بوده است که از آن جمله می‌توان به کمبودهای اجتماعی، دشواریها و مسائلی که ما در اجتماع خود با آنها



روبرو هستیم و تا اندازه‌ای به وجود مشکلات عاطفی و روحی می‌توان اشاره کرد...

### سپه‌لا مسافری - کتابدار کتابخانه‌ی کودک رودبار

#### \* تیستو سبز انگشتی:

«... پیشنهاد «تیستو» به کسی که مثل خود او از جنگ متنفر است و می‌خواهد با آن مبارزه کند کوچکترین کمکی نمی‌کند. و به راستی هم معلوم نیست که برای جوان یا نوجوانی که مثل «تیستو» انگشتهای سبزکننده‌ای ندارد راههای عملی و ممکن مبارزه با جنگ و بیماری چیست؟ چرا تیستو برای از میان بردن بیماری و مبارزه با جنگ و جلوگیری از آن، راه علمی و عملی‌تری (مثلا ترویج دانش پزشکی و غیره...) پیشنهاد نمی‌کند؟ راستی چرا؟»

#### فاطمه میررشدی - کتابخانه‌ی راین

#### \* بابالنگ‌دراز:

سرگذشت دختر یست یتیم که در پرورشگاه زندگی می‌کند. مردی سرپرستی او را به عهده می‌گیرد، از سرپرستش هیچ نمی‌داند، جز پاهای درازش. دخترک باید طی نامه‌هایی وضع خود را برای سرپرست ناشناسش تشریح کند. بعدها که به دانشگاه می‌رود، محیط جدید و رفتار ناشایانه‌اش از دید دوستان هم-اتاقی او سوژه‌ی جالبی برای کتاب بشمار می‌رود... وقتی دختر فارغ‌التحصیل می‌شود بعدها می‌فهمد کسی که با او در دانشگاه گفتگو می‌کرده و هم‌اتاقش بوده، عمویش همان بابا لنگ‌دراز است! این کتاب بیشتر از نامه پر شده و نویسنده شیوه‌ی نامه‌نگاری را طی نامه‌های کوتاه ولی شیرین بازگو کرده است. جین وبستر نویسنده‌ی این کتاب در بیان همه‌ی وقایع به زبان شیرین و طنزآلود، بویژه در قالب نامه بسیار موفق است.

#### «مینا عبداللهی - کتابخانه‌ی رودبار»

#### \* شهر طلا و سرب:

موجوداتی با هوش و نیرومند از سیاره‌ی دور دست به کره‌ی زمین گمده‌اند، آنرا تسخیر کرده‌اند. آنان

### افتخاری دیگر

مراسم توزیع جوایز «هفتمین فستیوال بین‌المللی فیلمهای کوتاه برای جوانان» در ساعت ۵ بعدازظهر روز یازدهم آبانماه سال جاری با حضور وزیر فرهنگ و محیط‌زیست کشور فرانسه در پاریس برگزار شد و طی آن بهر يك از فیلمهای «مرد و ابر»، دنیای دیوانه‌ی دیوانه‌ی دیوانه و «ملک خورشید» فیلمهای تهیه شده در امور سینمایی کانون پرورش فکری کودکان

اربابان کره‌ی زمین شده‌اند. دست یافتن به اندیشه کودکان و نوجوانان هدف آنانست. دو نوجوانی که از طریق مسابقه برای خدمت به اربابان برای این شهر انتخاب شدند، این دو مثل سایر برده‌ها، دارای کلاهک نبودند، داستان این کتاب، ماجرای راه یافتن به این شهر را از جنبه‌های مختلف بازگو می‌کند و زندگی دشوار این شهر که «ویل» و «فریتس» چه رنجهایی را تحمل کردند.

#### «مهناز خسروی - کتابدار لاهیجان»

#### \* آی با کلاه، آی بی کلاه:

این نمایشنامه در حقیقت بازگو کننده حقایقی است از اجتماع. داستان در يك كوچه اتفاق می‌افتد ولی گونه‌گونی شخصیتها باعث می‌شود که بتوان نمایشنامه را در يك محیط وسیع‌تر تحلیل کرد، و تیپهای مختلف نمایشنامه‌را نماینده گروهی از اجتماع دانست، آنها با گفتار خویش در نمایشنامه خصوصیات اجتماعی و فکری و بینش هم پایگان خود را بازگو می‌کنند. ولی باز با تمام واقعگرایی داستان و بینش عمیق نویسنده در تصویرگرایی حقایق اجتماع، يك مسئله در این نمایشنامه غیرعادی جلوه می‌کند. نقش حرامیان در چیست؟...

#### «ام‌کلثوم واحدی کشتیبال - کتابدار رضائیه شماره ۱»

#### \* مرگ فروشنده:

این نمایشنامه تحلیلی است درباره‌ی آدمهای طبقه‌ی پائین که گوئی همه در زندگی محکوم به شکست می‌باشند. چرا؟ موقع‌شناس نیستند؟ در جامعه‌ی متکی به پول. باید حسابگر و زرنگ بود. آدمها وقتی بکار می‌آیند که سود داشته باشند در غیر اینصورت چون ابزار و وسایل بدور انداخته می‌شوند، در توصیف میلر، انسان به حیرت گذشته نشسته است. زیباییهای طبیعت از کف رفته‌اند، آدمیان میان معیارهای کهنه و نو سرگردانند، بطرز دردآلودی همه‌چیز دگرگون شده است اسفالت و تی‌آرهن جای چمن و درخت را گرفته، در حقیقت زندگی درون جنگل اسفالت جریان دارد... «اشرف‌السادات چرمی - کتابدار همدان»

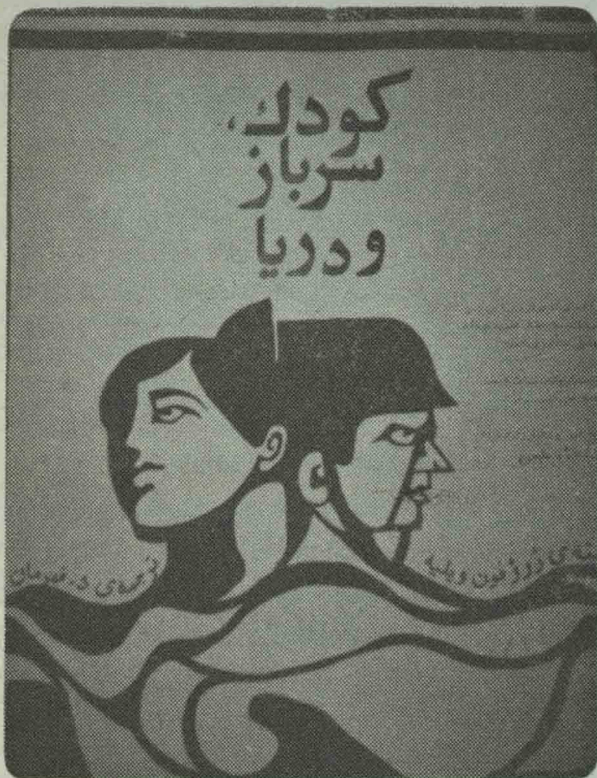
و نوجوانان دیپلمهای افتخار به مناسبت کیفیت تهیه داده شد.

فیلم «مرد و ابر» ساخته پرویز نادری، فیلم «دنیای دیوانه‌ی دیوانه‌ی دیوانه» ساخته‌ی نورالدین زرین‌کلک و فیلم «ملک خورشید» از ساخته‌های علی‌اکبر صادقی است.

این پیروزی را به سازندگان این فیلمها و مرکز سینمایی کانون تبریک می‌گوئیم.



# کتابخانه‌های منطقه‌دو



معرفی کتاب **کودک و سرباز و دریا** در کتابخانه خرمشهر

گذشته‌اند و پیشرفت منظم و آرامی دارند.

## ناحیه فارس و بوشهر:

در روز ۹ آبان برنامه‌های فستیوال در سینما آریانا شیراز با حضور فرماندار و چندتن از مقامات محلی و گروه موسیقی کتابخانه که یک برنامه ۲۰ دقیقه‌ای اجرا کردند با گزارشی از رئیس ناحیه فارس و بوشهر و با نمایش دو حلقه فیلم گشایش یافت. کتابخانه آباده که رسماً از ۲۹/۸/۳۶ شروع بکار نموده‌اند تا تاریخ ۲۲/۹/۳۶ بالغ بر ۱۵۰۰ عضو دارد و فعالانه بکار خود ادامه می‌دهد بهر حال این کتابخانه با وجود داشتن ۲ نفر کتابدار جدیداً استخدام احتیاج به مراقبت و دقت بیشتر در پیش‌بینی برنامه‌ها و سایر کارها دارد.

در کنار برنامه‌های فرهنگی کتابخانه شماره ۱ شیراز، برنامه‌های فوق‌العاده‌ای نیز مانند بازدید اعضای کتابخانه از نمایشگاه هنر با تصویر و صدا و همچنین از مرکز سازمان انتقال خون بمناسبت هفته کتاب و دعوت از اولیاء دانش‌آموزان به کتابخانه جهت آشنائی

## ناحیه اصفهان:

از تاریخ ۲۵ آبان ماه بمدت ۱۰ روز يك نمایشگاه از کتابهای کودکان بزبان انگلیسی با همکاری انجمن فرهنگی ایران و بریتانیا در کتابخانه مرکزی اصفهان برپا بود. این نمایشگاه توسط معاون فرماندار افتتاح شد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اصفهان در جنب این نمایشگاه، نمایشگاه نقاشی‌های اعضای کتابخانه‌ها را بنمایش گزارده بود.

بمناسبت هفته کتاب در تمام کتابخانه‌های این ناحیه مراسمی برپا بود در ضمن نمایشگاهی از کتاب و برنامه‌های دیگر فرهنگی برگزار گردید و همچنین سمیناری با همکاری آموزش و پرورش نجف‌آباد در محل کتابخانه به همین مناسبت برگزار گردید که نتیجه آن نیز در روزنامه‌های کثیرالانتشار منعکس گردیده است.

برنامه‌های افتتاحی فستیوال در ۴ سینمای اصفهان و یک سینمای یزد و سینماهای نجف‌آباد و شهرضا با شرکت معاون استاندار در اصفهان و استاندار در یزد و فرمانداران نجف‌آباد و شهرضا برگزار گردید.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ناحیه اصفهان به همراه دانشگاه اصفهان و کاخ جوانان و آموزش و پرورش به تشکیل يك نمایشگاه آثار کودکان و نوباوگان در اصفهان اقدام نموده‌اند که از تاریخ ۳۶/۱۰/۴ تا ۳۶/۱۰/۲۴ مورد بازدید قرار خواهد گرفت. و اما کار کتابخانه‌های ناحیه اصفهان: کتابخانه‌های اصفهان مرتب و فعالیت کتابدارانش چشمگیر است، ولی همکاران ما خوبست کار نشریه را جدی‌تر بگیرند و اعضاء را به این کار بیشتر ترغیب و تشویق کنند. در کتابخانه شهرضا فقط کلاسهای نقاشی و تئاتر دایر است و موسیقی و فیلمسازی از کلاسهای مورد احتیاج اینجاست که باید اقدام شود. وجود کتابداران فعال و خوب در این کتابخانه امید بهبود هر چه بیشتر این کتابخانه را به ما می‌دهد.

کتابخانه سمیرم با درگیریهای فراوانش کتابداران فعالی دارد. این کتابخانه نه تنها هیچ کلاس هنری ندارد، حتی از داشتن شطرنج نیز محروم است، در حالیکه اعضاء علاقمندی دارد و از سری کتابخانه‌ها نیست که اعضایش با شوق از مشکلات و پیشرفت‌های کتابخانه صحبت می‌کنند. نجف‌آباد و همایونشهر تقریباً مثل





تشکیل نهائشگاه کتاب و کارهای دستی در کتابخانه فسا

را در نظر ندارد، هر چند این ضعفها همه کتابداران را شامل نمیشود. ولی از همه همکاران انتظار می‌رود در بهبود کار بکوشند و اعضاء را از یاد نبرند. قم گذشته از بعضی اشتباهات دیواری و نقدهایش، کلاً قابل توجه است ولی با شرایط خامش کتاب مذهبی مناسب کم‌دارد. اما کاشان از کتابخانه‌های بسیار خوب امور منطقه دو کتابخانه‌هاست. کارهایش منظم، شکل یافته و درست است. هر چند سرمای کتابخانه همه اعضاء و کتابداران را اذیت کرده است و امیدواریم حالا که این مطالب را می‌نویسیم شفاژس کار افتاده باشد و نیز حیف است که از کلاسهای هنری، این کتابخانه فقط کلاس فیلمسازی را داشته باشد کتابهای داستان کتابخانه نیز کافی نیست.

در کتابخانه قزوین کتاب «هنر چیست» تولستوی، توسط یکی از اعضاء بررسی و به دیوار رفته است. و خوبست کار اعضاء بیشتر مورد توجه کتابداران مقرر گیرد. از کتابخانه‌های روستائی قزوین روستاهای شریف‌آباد، سلطان‌آباد، و مهری‌آباد و چوبین‌در، مورد بازدید قرار گرفت. اعضاء روستائی با آبادان در تهیه نشریه توسط اعضاء و تیه بریده وجود مشکلات چندی که هست. خوب کتاب می‌خوانند و اهالی بعضی روستاها مانند شریف‌آباد همکاری به نسبت خوبی با کانون دارند، و همچنین در روستای چوبین‌در،

با فعالیت کتابخانه‌های کودک با موفقیت انجام گرفته است. اگر این کتابخانه اصل هماهنگی را در اجرای برنامه‌های فرهنگی خود رعایت نموده و وقت دقیق و مشخصی برای تشکیل کلاسهای توجیهی داشته باشد موفق‌تر خواهد بود.

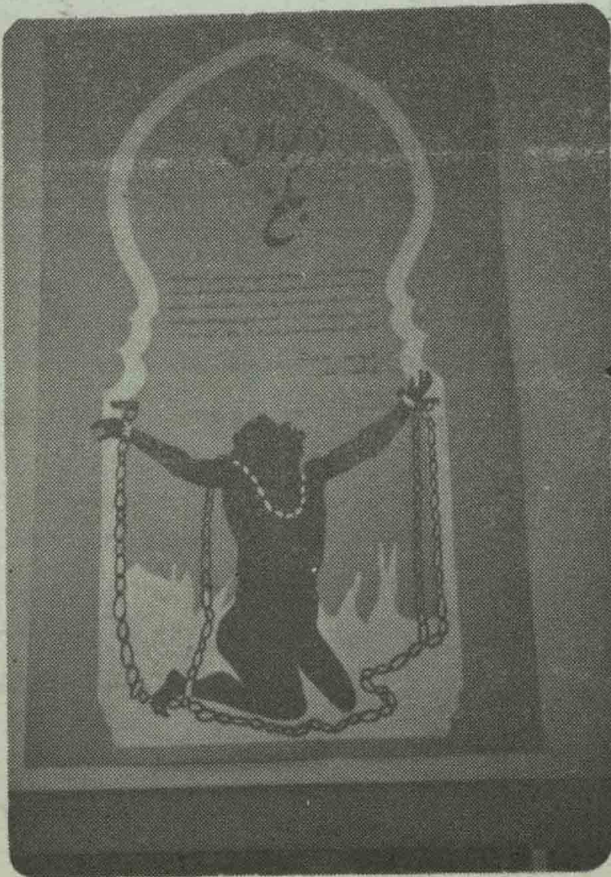
مراجعه کتابداران کتابخانه شماره ۲ به مدارس و دعوت دانش آموزان به بازدید از کتابخانه و برگزاری نمایشگاه کتاب در کتابخانه‌های شیراز و خانه‌های فرهنگ، بازدید دانشجویان، مربیان کودک کوردستان از کتابخانه‌ها و دعوت از شاعران محلی از جمله کارهای این کتابخانه می‌باشد.

بهر حال بهتر است این کتابخانه و کتابخانه شماره ۳ ضمن رعایت اصل هماهنگی در برنامه‌های فرهنگی خود، معرفیهای دیواری را بیشتر و بهتر در دیدرس بچه‌ها قرار دهند و همچنین سعی شود نشریات دیواری زمینه‌های مختلف علوم- علوم انسانی- ادبیات را شامل بوده و از طرح‌ورنگ مناسب‌تری برخوردار باشد.

#### ناحیه مرکزی:

به همت و کوشش کتابدار روستائی سالور، کتاب رسانی و کتابخوانی و فعالیت‌های دیگر فرهنگی در این بخش روستائی به خوبی ادامه دارد. در این بخش روستائی البته سپاهیان و معلمین نیز با ماهمکاری دارند و یاریمان می‌دهند که دستشان را می‌فشاریم. از کتابخانه‌های شیرمان ساوه کارهایش از پیش نظام یافته‌تر و مرتب‌تر شده است. هر چند اشکالات فنی و درگیریهایش برای همکارانمان مشکلاتی به وجود آورده است. ولی اکنون از منطقه اقدام شده است. از آن کماکان با کتابداران خویش پیشرفت می‌کند ولی می‌دانیم که کتابهای علمی و کتاب برای کودکان در این کتابخانه بسیار کمست و باید این نقیضه جبران شود.

اما خمین با ناسازگاری در ونیش انگار از خودش دارد می‌گاهد. نشریه‌اش برپا نیست. معرفیهایش اعضاء



معرفی دیوان بلخ در کتابخانه شماره ۱ خرمشهر





### افتتاح کتابخانه مسجد سلیمان

خبرنگاران از قسمت‌های مختلف کتابخانه بازدید به عمل آوردند و از فعالیت‌هایی که در کتابخانه انجام می‌شود آشنا شدند. در سالن تئاتر طرز کار با دستگاه فیلم استریپ تشریح شد و در محل کلاس نقاشی نیز نمایشگاه جالبی از کارهای دستی و پوشاک محلی مسجد سلیمان برپا بود که مورد توجه بسیار قرار گرفت. شکل خاص مسجد سلیمان که محل‌های سکونت پراکنده است، امکان مراجعه دانش‌آموزان به کتابخانه محدود است. با طرح این مشکل، مدیر کل آموزش پرورش دستور دادند چنانچه امکان دارد در ساعت درس بعضی کلاس‌ها تغییراتی داده شود تا دانش‌آموزان بتوانند استفاده بیشتری از کتابخانه ببرند. در ساعت ۱۲:۱۵ بازدیدکنندگان کتابخانه را ترک کردند.

در ماه‌های آبان و آذر که نمایشگاه هنر افریقا در تهران برپا بود، جمعاً ۱۵۱ تن از اعضای کتابخانه‌های ناحیه تهران از این نمایشگاه بازدید کردند. در این دیدارها، کتابداران کتابخانه‌ها نیز همراه اعضا بودند. کتابخانه‌های بازدیدکننده و تعداد اعضا و روز بازدید در زیر می‌آید:



### افتتاح کتابخانه مسجد سلیمان

به جهت همکاری صمیمانه آموزگاران مدرسه‌اش با ما فضای مناسبی برای مطالعه بچه‌ها حاصل شده است. کانون کارآموزی کرج هم از کتابخانه‌های خوب ماست که کتابدار فعالش کوشش زیادی برای ترغیب و جذب کارآموزان به کتابخانه و کارهای فرهنگی دارد و موفقیتش چشمگیر است، چنانچه کارهای دیواری کتابخانه بیشتر کار خود اعضا و در خود فضای خاص همان است و جز معرفی صادق چوبک که زبانی به نسبت دشوار دارد. سایر کارهایش آسان و صریح و روشن است.

به امید موفقیت همه همکاران.

### ناحیه خوزستان:

بمناسبت هفته کتاب مهرداد کودک شقایق، کودکان شماره ۴ خسروآباد و مدرسه فروغی از کتابخانه شماره ۱ اهواز دیدن کردند بمناسبت جشن فرهنگ و هنر از طرف این اداره جلسه‌ای در کتابخانه شماره ۱۲ اهواز تشکیل شد ضمن شرح تاریخچه نقالی و ارتباط آن با شاهنامه برای ۲۱ نفر برنامه نقالی اجرا شد.

در این دو روز (جمعه‌ها) کتابخانه شماره ۱ اهواز بطور آزمایشی باز بوده و فیلم‌های ساخته‌شده اعضای کتابخانه به نمایش نهاده شد. و چند برنامه داستان-سرایی و بحث اجرا شد.

در کتابخانه شماره ۲ نیز روزهای ۹۹ و ۱۰-۹۱۰-۲ جلد نمایش ساخته اعضاء کتابخانه‌ها به نمایش گذارده شد. گروه‌های مختلف از مدارس خرمشهر به کتابخانه شماره ۱ این شهر مراجعه و ضمن بازدید از کتابخانه به تناسب سن و سال آنها برایشان برنامه داستان‌سرایی و معرفی فیلم اجرا شد. اعضای این کتابخانه در این ماه یک بازدید از کارخانه ضد عفونی خرما نیز داشته‌اند.

اعضای کتابخانه شماره ۲ نیز بمناسبت هفته کودک بازدید از بیمارستان رضا پهلوی خرمشهر داشتند و یک برنامه داستان‌سرایی برای بیماران بخش کودکان اجرا کردند و چند جلد نیز کتاب به آنان هدیه کردند.

بهتر است کتابخانه‌های شماره ۱ خرمشهر و شماره ۱ آبادان در تهیه نشریه توسط اعضا و تهیه بریده جراید فعالیت بیشتری نمایند.

### افتتاح کتابخانه کودک مسجد سلیمان

کتابخانه مسجد سلیمان، در روز ۲۵/۸/۳۶ در حضور جناب آقای محمد باقر نمازی استاندار خوزستان افتتاح شد. ابتدا خانم شهنواز اوراضی‌زاده به مهمانان خیرمقدم گفت و گزارشی نیز قرائت کرد. آنگاه به دستور استاندار، مسئول کتابخانه با قطع نوار، کتابخانه را افتتاح کرد. پس از آن جناب استاندار، فرماندار، مدیر کل آموزش و پرورش، رئیس آموزش و پرورش مسجد سلیمان، رئیس شهربانی، شهردار و جمعی از



## گزارش کمیته بررسی و انتخاب کتاب

جلسه کمیته بررسی و انتخاب کتاب در این ماه، در تاریخ ۲۵/۸/۳۶ در ساختمان شماره ۳ کانون تشکیل شد. شرکت کنندگان این جلسه عبارت بودند از: خانم‌ها: یزدانشناس (رهنمای فرهنگی کتابخانه-های تهران)- غفاری (کتابدار کتابخانه شماره ۴ تهران) حبیبی (کتابدار کتابخانه شماره ۲ تهران)- کشاورز (کتابدار کتابخانه شماره ۱۲ تهران). آقایان: طاهباز- میرزائی- نابت- تیمور تاشلو- حاج مشهدی- سنائی- هومن.

در این جلسه جمعاً ۱۴۴ عنوان کتاب بررسی شد که ۳۷ عنوان آن در کمیته تأیید شد و پس از خرید و آماده‌سازی در اختیار کتابخانه‌ها قرار خواهد گرفت. کتاب‌های تأیید شده عبارتند از:

- ۱- کتابهای علمی
  - ستاره‌ها- صوت- درختان- بدن انسان- ستارگان- سنگواره‌ها- دینوسورها- زمین‌آلوده
- ۲- کتابهای مربوط به علوم انسانی
  - جغرافیای ترکیه- زمینه جامعه‌شناسی- انسان گرسنه- تاریخ اجتماعی ایران (جلد سوم)
- ۳- کتابهای مربوط به ادبیات و هنر
  - تاریخ ادبیات ایران (جلد اول)- آیرت- کیگور- گزیده قابوس نامه- گل صنوبر- فردوسی و ادبیات حماسی- داستان مجموعه‌ها- تام‌پین- دوپرنده- میراث و ضیافت- سخن و سخنوران- پژوهشی اجمالی در زمینه ادبیات کودکان- گلها و مجسمه‌های خمیری- گلهای خمیری و خمیرچینی- زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه
- ۴- کتابهای ویژه کودکان
  - دایره سحرآمیز- ای کاش میتوانستم- مادر بزرگ هم روزی بچه بود- شنگول، منگول، حبه‌انگور- توله سگ از خودراضی- موطلائی و سه خرمن- خوشحالی- زندگی ملکه مورچه‌ها- کرومی می‌شیر کوچولو- اگر بزرگ بودم.

| کتابخانه | تعداد اعضا | روز بازدید |
|----------|------------|------------|
| شماره ۱  | ۲۰ نفر     | ۲۲ آبان    |
| شماره ۲  | ۱۲ نفر     | ۲۳ آبان    |
| شماره ۳  | ۷ نفر      | ۱۹ آبان    |
| شماره ۵  | ۲۷ نفر     | ۲۴ آبان    |
| شماره ۱۵ | ۲۰ نفر     | ۲۵ آبان    |
| شماره ۱۸ | ۶ نفر      | ۲۸ آبان    |
| شماره ۱۹ | ۱۵ نفر     | ۲ آذر      |
| شماره ۲۲ | ۱۷ نفر     | ۲۱ آذر     |
| شماره ۲۴ | ۲۷ نفر     | ۱۹ آذر     |
| جمع: ۹:  | ۱۵۱        |            |

| ناحیه                     | شهر      | تعداد روزهای نمایش | تعداد سینه‌های نمایش دهنده | تعداد دبیران آموزش |
|---------------------------|----------|--------------------|----------------------------|--------------------|
| خوزستان                   | آبادان   | ۴                  | ۱                          | ۲۱۷۰۰              |
|                           | خرمشهر   | ۴                  | ۱                          | ۱۱۱۸۶              |
|                           | امواز    | ۷                  | ۳                          | ۲۳۰۹۹              |
| فارس و بوشهر              | شیراز    | ۶                  | ۳                          | ۸۹۷۷               |
|                           | فسا      | ۴                  | ۱                          | ۴۵۱۸               |
| اصفهان و چهارمحال بختیاری | جهرم     | ۴                  | ۱                          | ۴۷۱۲               |
|                           | اصفهان   | ۷                  | ۵                          | ۵۱۸۵               |
| اصفهان و چهارمحال بختیاری | بزد      | ۷                  | ۳                          | ۲۸۰۲۸              |
|                           | نصف‌آباد | ۴                  | ۱                          | ۹۴۲۷               |
| شهرضا                     | شهرضا    | ۴                  | ۱                          | ۵۱۲۴               |
|                           |          |                    |                            | ۳۸۰۰               |

| ناحیه                     | تعداد کتابخانه اعضا | تعداد کل اعضا | تعداد کتابهای امانت دهنده جدید شده |
|---------------------------|---------------------|---------------|------------------------------------|
| فارس و بوشهر              | ۸                   | ۳۰۴۴۶         | ۵۰۰                                |
| اصفهان و چهارمحال بختیاری | ۱۴                  | ۵۶۴۱۷         | ۲۴۶۲                               |
| خوزستان                   | ۸                   | ۲۵۴۲۵         | ۱۱۱۳                               |
| تهران                     | ۲۸                  | ۱۲۶۴۰۰        | ۲۹۷۶                               |
| مرکزی                     | ۱۱                  | ۱۸۸۲۳         | ۱۳۲۵                               |
| جمع                       | ۶۹                  | ۲۵۷۵۲۱        | ۸۳۷۶                               |

## سپه‌لا زند وکیل - ۱۶ ساله - تهران - زخم شب

در این بین شب، چه تنها و غریبانه می‌میرد شب، به روز غبطه می‌خورد و روز با تمام جنجالش به پایان می‌رسد. و کسی نمی‌داند و یا کمتر می‌داند این شبی که مرد و این روزی که زاده شد دیگر تکرار نخواهد شد.

من از شکاف شب حوادث فردا را خواهم نگریست شب بسیار زخمی است و نور بسان خون از شکافش فوران می‌زند. و یکباره شب جان در می‌دهد و فردا رنگ می‌گیرد و حرکت آغاز می‌شود کسی نمی‌داند

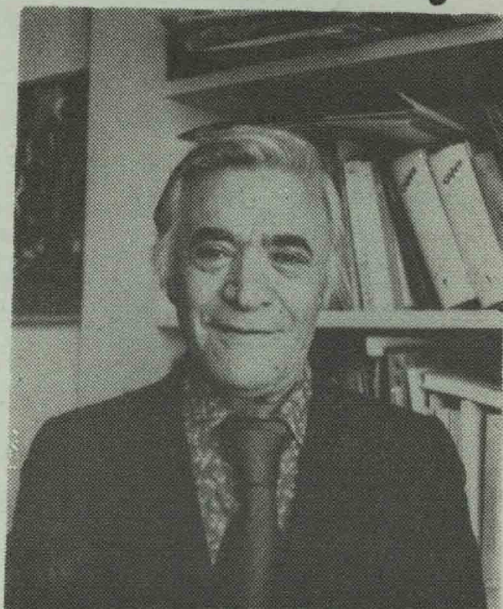
تن شب به تازیانه بانگ خروس خراش برمی‌دارد و زخمی می‌شود من بی‌صدا و تنها از شکاف شب به دیدار روز می‌روم به دیدار فردا



# خاطرات يك مترجم

(۹)

محمد قاضی



عبدالله) صدا می‌زدند. «کوئه‌خا» به معنی کدخدا و «عبه» مخفف عبدالله است. در کردی نیز مانند بسیاری از زبانهای اروپایی اغلب اسمهای خاص را در محاوره کوتاه می‌کنند؛ مثلاً محمد را «حمه»، مصطفی را «مچه»، قادر را «قاله» و عبدالله را «عبه» می‌گویند. اسم زن فتان صوفی رحمت خدیجه بود که آن نیز بر مبنای همان اصل به صورت «خجه» کوتاه شده بود.

باری، عشق آتشین «خجه» با جناب قاضی عسکر چنان کرد که عشق دختر ترسا با شیخ صنعان نکرده بود. قاضی عبوس و مغرور از دماغ فیل افتاده، که در ده با استبداد رأی و وقار و تشخص کامل رفتار می‌کرد و رعیتها از هیبت و سطوت او بر خود می‌لرزیدند، در کوره عشق خدیجه چنان نرم و مهربان شد که باور کردنی نبود. تا آن روزها کسی نمی‌دانست که قاضی اهل دل است و ته صدای ملیحی هم دارد و ترانه‌های روز کردی را به لحنی دلنشین و نمکین می‌خواند. برای کسانی که از ترس ارباب جرئت صدا بلند کردن نداشتند بسیار عجیب می‌نمود که اکنون خودشان زمزمه‌های او را می‌شنیدند، به صدای او گوش می‌دادند و تغییر حال ناگهانی او را می‌دیدند. اغلب پاسی از شب گذشته عابران دیرپایی که دیرتر از وقت از صحرا برمی‌گشتند و یا بیش از معمول در مسجد یا کوچه می‌ماندند در حول و حوش چشمه یا در کوچه باغی که به تاستان ده منتهی می‌شد شبی را می‌دیدند که به صورتی ناشناس از پای دیوارها می‌رفت، یا صوت خوشی را می‌شنیدند که به ترانه شقانه‌ای مترنم بود، و در پایان هر بندی از اشعار که به آواز می‌خواند نام «خجه» تکرار می‌شد:

سه‌رسه وزو بورچین نیشتن له ده‌ریا،

اه وان بون به جوت خوم تا قی‌تینیا،

عمره کم خجه، چاوه کم خجه

بی‌وفاخجه، بوتو نه‌ماوم

(اردک نر و اردک ماده به دریا نشستند

آن دو باهم جفت شدند و من‌غریب تنها ماندم.

عمر و جان من خجه، بینایی چشمانم خجه

بی‌وفا خجه، من از عشق تو از دست رفتم)

خوزگه‌م به و گوزه‌ی ده‌ی به‌ی بو کانی

جارچار ده که وی له شلکه‌ی رانی.

عمره کم خجه، چاوه کم خجه

پیش از آنکه پیرولی باغ را برای همیشه ترک کنیم و برای اینکه خاطره خوش و شیرینی از آنجا به همراه داشته باشیم بی‌لطف نیست به نقل ماجرای جالبی پردازیم که در آن ده اتفاق افتاده و جناب قاضی عسکر، در ایامی که هنوز چندان پیر نشده بود، با کدخدای وقت، در آن نقش موثری داشته‌اند:

صوفی رحمت یکی از رعیتهای جوان پیرولی باغ تازه عروسی کرده و از دهی از دهات نزدیک آنجا زن آورده بود. زنش در قیاس با زنهای اغلب‌زشت و چرکین و سیاه سوخته آن نواحی خوشگل می‌نمود، خاصه عصرها وقتی پیراهن قرمز گلدارش را، که گویا پیراهن عروسیش بود، می‌پوشید و کوزه بر دوش با دختران و زنان دیگر ده به سرچشمه می‌رفت چشمها را خیره می‌کرد و دلها را به تپش درمی‌آورد. می‌گفتند در بین جوانان و مردان عزبده عاشقان دلخسته بسیار دارد، ولی از همه شیداتر و دلخسته‌تر قاضی عسکر ارباب‌ده بود. ارباب عاشق دست کم ده پانزده سالی از صوفی رحمت و زن ملوس او مسن‌تر بود و با فهم و کمالی که لازمه سن او بود می‌بایست بفهمد که عشق نامتناسبش به تازه عروس شانزده هفده ساله آخر سر به رسوایی خواهدزد و به بدنامی خواهد انجامید، ولی عاشق کجا و پروای نام و ننگ کجا؟

صوفی رحمت همسایه‌ی نه‌چندان دور ده‌بان ده بود که عبدالله نام داشت و در ده‌همه‌ها او را «کوئه‌خا عبه» (کدخدا



(خوشا به حال آن کوزه‌ای که تو با خود به چشمه می‌بری و گاه‌گاه به نرمی رانت می‌خورد...  
عمر و جان من خجّه...)

باری، عاقبت ارباب عاشق که سخت دین و دل از دست داده بود دست به دامان کدخدا زد و از او یاری و چاره‌جویی خواست تا به هر قیمتی شده او را به وصال معشوق برساند.

کدخدا که مرد زرنگ و موقع شناسی بود آن‌ا پی برد که یک مرغ تخم طلایی به تورش افتاده است و تصمیم گرفت از این نقطه ضعف ارباب کمال استفاده را ببرد. وعده داد که به دستیاری زن خود معشوق سنگدل را رام خواهد کرد و ارباب را به مراد خواهد رساند، لیکن مدعی شد که در این راه صبر بسیار و بذل مال فراوان باید. عاشق گفت که تاب صبر و قرار بسیار ندارد ولی حاضر است هر چه لازم باشد در این راه نثار کند. عبدالله علی‌الحساب بیست تومان به پول آن زمان، که بهای یک گوسفند شصت کیلویی از پنج تومان بیشتر نبود، با یک دست لباس نیم‌دار از ارباب گرفت تا کار خود را شروع کند.

حال معلوم نیست که آیا کدخدا واقعا یک بار به وسیله زنش مراتب عشق و دلدادگی ارباب ساده دل را به «خجّه» رسانده و جواب سربالا شنیده بود، یا اصلا کوچکترین قدمی در راه ایفای رسالت خود بر نداشته و بیجهت خبرهای دروغ و به‌ظاهر امیدبخش برای ارباب می‌آورد. «کوئه‌خا» تا مدتی مرتبا به ارباب گزارش می‌داد که خود و زنش «مجدانه» به خدمت در راه «انجام وظیفه» مشغولند، و نتیجه امیدبخش زحماتشان بزودی به دست خواهد آمد. همین روزها است که خورشید طالع ارباب درخشیدن خواهد گرفت و دیری نخواهد گذشت که او شاهد مقصود را در آغوش خواهد کشید.

در حاشیه این مژده‌های فرح‌بخش میان تهی صورت حسابی هم ارائه می‌داد که مثلا کفش زنش و خودش از بس رفته و آمده‌اند پاره شده، و یامثلا از شنبه بازار «کلب رضا خان» برای معشوق دیر جوش یک قواره پارچه پیراهنی یا چند انگوی گران قیمت یا یک جفت گوشواره طلا خریده و از جانب ارباب به او هدیه داده‌اند تا مگر زودتر دل سنگش را نرم کنند، و یا گوسفندی از مال خودش را نذر پیرولی کرده و به مستمندان داده است تا معشوق زودتر بر سر مهر بیاید، و پول همه این مخارج ضروری را از ارباب می‌خواست. آن مرد ساده‌دل هم به امید کامیابی هر چه زودتر در راه وصل معشوق جانی همه آن خواسته‌ها را می‌داد و دم نمی‌زد.

دوران این سردواندنها و تلکه‌بازیها از هشت ماه هم گذشته بود که دیگر طاقت ارباب طاق شد، تا یک روز گریبان دهبان را گرفت و بر او بانگ زد که ای

نابکار دغل، تا کی مرا به وعده وعید می‌فریبی و سرم می‌دوانی و امروز و فردا می‌کنی؟ هر چه گفتمی کردم و هر چه خواستی دادم. اینک دیگر کاسه صبر من لبریز شده و تاب تحملم به پایان رسیده است. اگر تا یک هفته دیگر به وعده وفا کردی که فبها المراد، وگرنه بلایی بر سرت بیاورم که تا عمر داری فراموش نکنی. کدخدا که در این راه حتی یک قدم هم پیش نرفته بود به امید اینکه شاید از این پس‌کاری بکند یک هفته را کافی ندانست و دو ماه مهلت خواست. با یک ماه مهلت به اکراه ولی با امید موفقیت تمام موافقت شد، به شرط اینکه دیگر قابل تمدید نباشد. دهبان در آن یک ماه نیز به هر نحوی بود بهانه‌هایی برای دوشیدن ارباب می‌نراشید، بی‌آنکه برآستی کاری صورت بدهد. کم‌کم انقضای مهلت نزدیک می‌شد و بین قلق و اضطراب کدخدا و شور و التهاب ارباب نسبت مستقیمی برقرار می‌گردید.

دو روز مانده به شب «ژوان» (۱) دهبان دلی به دریا زده و مژده آورد که معشوق بیراه به راه آمده و نیمه شب فردا شب را برای دیدار و هماغوشی با ارباب بیتاب تعیین کرده است. محل دیدار را هم خود کدخدا معین نموده و «قلاغ» اربابی را مناسبترین و خلوت‌ترین جا برای این ملاقات عاشقانه تشخیص داده است. «قلاغ» به زبان کردی برجی است بلند و مخروطی‌شکل، ساخته از تپاله گاو که در درون مجوف آن بشکل گوسفند و تپاله خشک کرده ذخیره می‌کنند تا در زمستان به مصرف سوخت تنور برسانند. شما هم اکنون نیز اگر به دهات کردستان سفر کنید. در هر دهی تعداد زیادی از این قلاغها می‌بینید که با قاعده پهن و مدور و با نوک تیز خود همچون شبیحی سیاه رنگ سربه آسمان کشیده‌اند و ذخیره سوخت زمستانی تنور رعایا را در خود دارند.

قند در دل بیقرار ارباب آب می‌شد. با فکر اینکه بعد از آن همه انتظار و آن همه خرج و ریخت و پاش، فردا شب در نیمه‌های شب به وصال معشوق خواهد رسید از شادی برسر پا بند نبود. با شنیدن مژده وصل، پنجاه تومان پول نقد و یک راس الاغ قبراق به عبدالله بخشید. زمزمه‌های دلنشین عاشق را که در آن دیگر آن سوز و گداز گذشته نبود در آن یکی دو روز همه می‌شنیدند و تغییر حال او در آن مدت کوتاه از همه وقت محسوس‌تر بود. انتخاب «قلاغ» اربابی برای «ژوان» از طرف عبدالله نیز پسندیده بود، چون درست است که شبها، بخصوص در زمستان، سگهای ولگرد در آن می‌خوابیدند، ولی جای دنج و محفوظی بود که تا زمستان هیچکس را با آن کاری نبود و هوای درون آن نیز به

۱- ژوان به زبان کردی یعنی دیدار عاشق و معشوق در میعادگاه و نیز خود میعادگاه را گویند.



هر حال از بیرون گرمتر بود، و این خود فضای بوس و نثار را دلنشین تر می کرد.

وای اگر عاشق فریب خورده می دانست که روح معشوق از این قول و قرارها بیخبر است! شب موعود که عاشق آن همه انتظارش را کشیده بود فرا رسید. از رب دقیقه شماری می کرد. کدخدا عبدالله همچون ما لوی نساجی بین خانه خود و عمارت اربابی در رفت و آمد بود و کسی نمی دانست چه اتفاقی افتاده است. خواب همه را در ربود و آنچه در خواب نشد چشم بیرون و ارباب و دهبان بود. یک ساعت مانده به «ژوان»، کدخدا عبدالله نیز با کسب اجازه مرخصی از ارباب پی کار خود رفت. مخصوصاً سپرده بود که ارباب پاسی از نیمه های شب گذشته، در آن موقع که دیگر بطور قطع هیچکس در ده بیدار نیست، به میعادگاه برود.

نیمه های شب که کسی در عمارت اربابی بیدار نبود ارباب احتیاطاً تفنگش را هم برداشت و با قلبی که از شادی در سینه نمی آرمید براه افتاد. تا به در «قلاغ» رسید با هوشیاری هر چه تمامتر دور و بر خود را می پاید و به اندک صدایی که از جایی برمی خاست دستش به ماشه می رفت. خوشبختانه دیاری در آن حول و حوش پیدا نبود و انگار اصلاً کسی بیدار نبود. به دهانه «قلاغ» که رسید اندکی تأمل کرد و باز به اطراف نگریست، سپس با احتیاط سرخم کرد و در حالی که قلبش به شدت می تپید به درون آن خزید. درون «قلاغ» به قدری تاریک بود که بجز سیاهی چیزی دیده نمی شد. عبدالله به ارباب سپرده بود که از نظر احتیاط کبریت روشن نکند. ارباب کورمال کورمال پیش رفت و یکی دوبار هم آهسته صدا زد: خجه، خجه! ولی جوابی نشنید. این سکوت را حمل بر شرم و حیای معشوق کرد و باز پیشتر رفت. همینکه پایش به مانعی خورد نشست و کورمال کورمال دست پیش برد تا بداند چیست. دستش به پارچه نرم و لطیفی خورد. به گمان اینکه پایش به پای معشوق خورده است آهسته عذر خواست ولی این بار نیز جوابی نشنید. دست دراز کرد که چادر از سر معشوق بردارد، دستش به چیز غیر منتظره ای خورد: به کله ای درشت و پشمالو با دو گوش دراز و پوزه ای بلند! یاللعجب! این چه بود؟ در همین دم صدایی غیر انسانی از موجودی که با ارباب در «قلاغ» بود برخاست. صدا از پرده های بینی یک حیوان بود. ارباب با حقیقت بسیار تلخی روبه رو شده بود: معشوقی که به میعادگاهش آورده بودند «خجه» نبود، کره خری بود که دست و پایش را بسته و چادری روی سرش کشیده بودند.

هیچ قلمی قادر نیست شدت خشم و سرخوردگی ارباب دماغ سوخته را تشریح کند. چنان برافروخته و عصبانی شد که برآستی اگر کاردش می زدند خونسش در نمی آمد. معلوم نیست در آن حال خشم و ناگامی که

معمولاً هوش و حواسی بجا نمی ماند از کجا به فکرش رسید دست و پای کره خری را باز کند و بگذارد برود تا صبح گندی بالا نیاید؟ دیوانه وار از قلاغ بیرون پرید و به سراج عبدالله به خانه او رفت. خدا رحم کرد که کدخدا تریخته بود و گرنه هیچ بعید نبود که جنایتی روی بدهد. زن کدخدا سراسیمه از خواب پرید، با ابراز تعجب از حال غیر عادی ارباب و از تفنگی که در دست او دید بر جان شوهرش ترسید و قسم خورد که از او بیخبر است. قسمی که به هر حال راست بود. دهبان پیدا نشد که نشد.

از آن پس، ارباب روزان و شبان غریب و سراج کدخدای فراری را از همه کس و همه جا گرفت و تهدید کرد که به انتقام این توهین بزرگ چنانش مثلا کند که نکه بزرگش گوشش باشد. آخر رد پای عبدالله را در شهر پیدا کردند. در مهاباد که پیغام داده بود مگر من چه گناهی کرده ام که ارباب بیرحم قصد جانم کرده است؟ کناه مرا بگوید و نزد ملای ده و ریش سفیدان به داوری بگذارد تا من بیایم. ولی مگر چنین کاری شدنی بود؟ ارباب فقط از یک «توهین بزرگ» دم می زد. ولی مگر می توانست به صراحت در حضور ملا و ریش سفیدان ده بگوید چه توهینی؟

کم کم ورق برگشت و بدهکار طلبکار شد. این بار عبدالله تهدید کرد که اگر ارباب از خر شیطان پایین نیاید و خنجرش را غلاف نکند راز او را در نزد همه مردم ده فاش خواهد کرد و آبرویش را خواهد بست. آخر معلوم نشد که با وساطت که و چگونه دعوا به صحنی معوض یا غیر معوض انجامید، آنقدر هست که جناب قاضی عسکر هیچگاه به وصال معشوق نرسید و عبدالله نیز کیفی را که ظاهراً در خورش بود ندید.

در آغاز بهار، صوفی رحمت که گویا کم و بیش بویی از این ماجرا برده بود از پیرولی باغ کوچ کرد، به ده دیگری رفت و ارباب تازه ای پیدا کرد.



برگردم به سر داستان خودم:

باری، کاروانسالار مرا با نامه قاضی عسکر در محکمه تحویل داد و رفت. خجالت روبه رو شدن مجدد با قاضی بزرگ و اهل بیت او رنجی بود که تحملش به نظر من مشکل می نمود ولی آسان برگزار شد. هیچیک از افراد خانواده قاضی بزرگ به ملامتی که درخور آن بودم زبان نگشود و عرصه را چنان بر من تنگ نکرد که هوای فرار دوم به سرم بزند. باز به مدرسه رفتم و اوقات به همان نحو که پیش از فرارم بر من می گذشت ادامه یافت. باز سروکارم با همان بیرونی بود و همان اندرون، همان آش و همان کاسه، همان مدرسه و همان همکلاسان و همان معلمان، جز آنکه این بار نمی دانم چه شد که با سعی و علاقه بیشتری به درس و مشق



چسبیدم و وقتم را بیشتر صرف آموختن کردم تا بازیگوشی و به اندرون رفتن و یاوه گفتن با مثنوی زن و کلفت و نوکر.

خرداد ۱۳۰۷ بود که امتحان نهایی ششم ابتدایی را با معدلی نزدیک به بیست گذراندم و در بین تنها چهار نفر داوطلب شاگرد اول شدم. بیشک اگر کس و کار نزدیکتر و دلسوزتری می‌داشتم شاید مرا برای ادامه تحصیل به تبریز یا تهران می‌فرستادند، چون مهاباد در آن زمان دبیرستان نداشت و دیگر ادامه تحصیل در آن شهر برای من امکان‌پذیر نبود.

در همین ایام بود که خبر رسید عموی تنیم دکتر جواد قاضی از آلمان به تهران منتقل شده و اینک در تهران زن گرفته و خانه و زندگی تازه‌ای برای خود ترتیب داده است. در واقع، زمان وزارت عدلیه مرحوم داور بود و او برای تکمیل کادر وزارت عدلیه آن زمان تحصیل کرده‌ها و فارغ‌التحصیلان رشته حقوق از دانشگاه‌های اروپایی را، حتی از سفارتخانه‌های ایران در خارج، به ایران منتقل می‌کرد. عموی من دکتر جواد قاضی نیز یکی از آنها بود که از سفارت ایران در آلمان با سمت مستشار استیناف به وزارت عدلیه داور منتقل شده بود.

پیش از این اشاره کرده بودم که دکتر جواد قاضی زن آلمانی داشت. این زن که در آن اواخر گویا دیوانه هم شده بود حاضر نشده بود با شوهرش به ایران بیاید، و طلاق گرفته بود؛ ناچار دکتر قاضی تنها به

ایران بازگشته، در تهران با خانواده فقیر ولی اصیل و نجیبی آشنا شده و دختر ارشد آن خانواده را که پانزده بیست سالی از خودش جوان‌تر بود به زنی گرفته بود.

من شنیده بودم که دکتر قاضی فرزندی ندارد و نیز می‌دانستم که به مرحوم پدرم بسیار علاقه‌مند بوده است. با استفاده از این موضوع نامه‌ای پرسوز و گداز به او نوشتم و وضع خودم را برای او تشریح کردم. بخصوص در نامه‌ام قید کردم که چون او فرزند ندارد و من پدر، و چون علاقه او را به مرحوم پدرم می‌دانم انتظار دارم که مرا به فرزندی بپذیرد، از مهاباد به تهرانم ببرد و به مدرسه‌ام بگذارد تا درس بخوانم و برای خودم «آدمی» بشوم. این موضوع را بارها بزرگترها در گوشم خوانده بودند که آدم تا درس نخواند چنانکه باید آدم نخواهد شد و من برآستی اعتقاد پیدا کرده بودم که اگر درس بخوانم آدم خواهم شد. نامه‌ام با همه امید و انتظار بی‌جواب ماند. یکی دیگر نوشتم و اشتیاق خود را به تحصیل با آب و تاب بیشتری شرح دادم. به آن نیز جوابی داده نشد. ظاهراً عمو در بیابرو و عروسی یادار تدارک مقدمات آن بود، یا شاید هم ماه‌عسل رامی-گذرانند و سرگرمتر و خوشتر از آن بود که پروای برادرزاده نادیده‌ای چون مرا داشته باشد. نامه سوم را نیز نوشتم و تصمیم گرفتم که اگر به این یک هم جوابی داده نشد ترك مكاتبه كنم. از قضا به این يك نیز جوابی داده نشد، اما من از رو نرفتم و از او به یکباره قطع امید نکردم.

## بزرگداشت روز مادر (بقیه)

در این مسابقه از کودکان و نوجوانان خواسته شد تا آثار خلاقه خود را به شرطی که در ارتباط با عواطف مادری و بزرگداشت مادر باشد در زمینه ادبی و هنری برای کانون بفرستند.

ساعت ۴ و ۱/۲ بعد از ظهر روز شنبه ۲۶ آذرماه مراسم بزرگداشت مادر با حضور سرکار علیه‌خانم فریده دیبا مدیریت عامل و جمعی از شخصیتها و کارکنان کانون واقع در پارك فرح برگزار شد پس از بازدید سرکار علیه‌خانم فریده دیبا از نمایشگاه آثار کودکان و نوجوانان که به مناسبت روز مادر تشکیل شده بود و اجرای برنامه‌های هنری، موسیقی، نمایش فیلم، نمایشنامه کودکان و نوجوانان برنده مسابقه به حضور سرکار خانم دیبا معرفی شدند و جوایز خود را دریافت کردند. از بین آثار رسیده در رشته‌های نثرنویسی اعم از

قصه، نمایشنامه، فیلمنامه، زندگی‌نامه، طنز و مقاله فقط يك برنده انتخاب شد. دوشیزه مینا زرپور ۱۵ ساله تهران در زمینه شعر يك برنده: دوشیزه سیمن سلیمانیان ۱۵ ساله از تهران

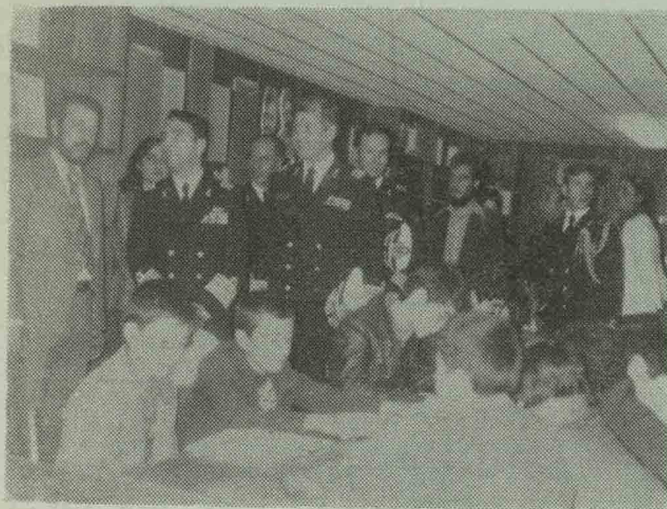
در زمینه موسیقی يك برنده: آقای مهراڻ قلعه‌ای ۱۵ ساله از تهران

در زمینه نقاشی و کاردستی ۳ برنده: دوشیزه منوچهری ۱۶ ساله-دوشیزه زهرا ساروخانی ۱۶ ساله- آقای وحید شیرانی ۱۶ ساله

تهیه فیلم ۴ برنده آقایان: قاسم رازی- حسین جامی- مهدی سفری- حسین خندان. اطلاع یافتیم این برنامه در سال جهانی کودک با وسعت بیشتری برگزار خواهد شد بدیهی است شرایط و نحوه برگزاری این مسابقه از طریق وسایل ارتباط همگانی با اطلاع خواهد رسید.



# پیام کتابخانه‌های منطقه گیلان



## بازدید از کتابخانه غازیان

دست کم بیست درصد روستاهای ماشین‌رو ناحیه را زیر پوشش کتابرسانی قرار دهیم. سوای برنامه‌های جاری کتابخانه‌ها از قبیل کارهای دیواری، شعرخوانی و داستان‌سرای و بحث آزاد، برنامه نقدنویسی از شش ماه پیش در ناحیه با جدیت زیادتری پی‌گیری میشود. باین ترتیب که خانم‌های کتابدار هر کدام بدخواه کتابی را انتخاب و پس از مطالعه کتاب مطالبی که شامل برداشت خود آنهاست نوشته و ارسال میدارند و ضمن پاسخ کتبی به مطالب ارسالی آنها در جلسات ماهانه که همکاران کتابدار در سه گروه شرکت میکنند کتابهای مزبور (هر جلسه دو کتاب) مورد بحث قرار میگیرد. البته ناگفته نماند نزدیکی کتابخانه‌های ناحیه این گردهم‌آئی را ممکن می‌سازد. امید است با تلاش مجدانه همکاران خوبان در کتابخانه‌ها گامهای سریع‌تری در جهت هدفهای کانون برداریم.

حسین فرهنگی



بازدید از کتابخانه شماره ۱ بندرپهلوی

کتابخانه‌های گیلان که جزء قدیمترین کتابخانه‌های ثابت شهری در شهرهای رشت، کوچصفهان، لشت‌نشاء، آستانه اشرفیه، فومن، صومعه‌سرا، لاهیجان، کتالم، رودبار، پهلوی، غازیان، آستارا و یک واحد سیار و یک واحد سیار روستائی است که هم اکنون ۴۳ تعداد کتابدار و کتابرسان و ۱۶ مربی هنری در کتابخانه‌های فوق مشغول کارند. همچنانکه در بالا اشاره شد اکثر کتابخانه‌های گیلان از قدیمترین کتابخانه‌های کانون بوده و از لحاظ ساختمان ۷ تعداد از آنها یک ساله هستند که از این تعداد با توجه به مراجعین علاقمندی که کتابخانه‌های مزبور دارند چهار کتابخانه آستانه اشرفیه، کوچصفهان، فومن، آستارا در حال تجدید بنا بوده و سه دستگاه رودبار، صومعه‌سرا و لشت‌نشاء پس از پایان کار چهار کتابخانه تجدید بنا میگردند و نیز کارهای ساختمانی کتابخانه کودک شماره ۲ رشت و دفتر ناحیه نیز شروع شده است. همچنین قرارداد ساختمان کتابخانه‌های لنگرود و رود سر نیز بسته شده که با احتساب کتابخانه‌های در حال ساختمان ناحیه به ۷ دستگاه رسیده است از آنجا که پس از پایان کار کتابخانه‌های فوق تنها شهر واجد شرایط برای داشتن کتابخانه هشتمین خواهد بود. و با توجه به تراکم زیاد جمعیت روستائی ناحیه و جوانی این جمعیت روستائی لزوم توجه بیشتر به توسعه واحد سیار روستائی در این ناحیه همیشه محسوس بوده است از اینرو با اقداماتی که صورت گرفته تعداد کتابخانه‌های سیار روستائی این ناحیه پس از پایان دوران آموزش کتابرسانان سیار حداکثر تا سه ماه دیگر سه واحد سیار نیز اضافه میگردد. که بترتیب در مناطق هشتمین، لاهیجان و لنگرود مشغول بکار میگردند و امید است بتوانیم



کاردستی در کتابخانه رودبار



اخبار و رویدادهای پرسنلی کانون را در آذرماه ۲۰۳۶ به اطلاع همکاران عزیز می‌رسانیم:

### ازدواج

- پیوند زناشویی که لطیف‌ترین و گرانبهاترین پدیده‌ی هستی است، در قلوبتان جاودان باد. آغاز زندگی مشترکتان را صمیمانه تبریک می‌گوئیم.
- ۱- خانم فخرالملوک غلامی کارمند اداره انبارها
  - ۲- خانم لیلا تابش ماشین‌نویس اداره پرسنلی
  - ۳- آقای حسین شریف‌زاده رئیس ناحیه فارس و بوشهر
  - ۴- آقای حسین صالح‌آبادی خدمتگزار کتابخانه شماره ۱۱
  - ۵- آقای محمدحسن گودرزی خدمتگزار کتابخانه قوچان

### تولد

- مقدم نورسیدگان همکاران عزیز را صمیمانه تبریک می‌گوئیم.
- ۱- خانم فاطمه روحبخش مسئول درجه ۲ کتابخانه‌ی بردسیر
  - ۲- آقای علی خامسی ناظر فنی امور خدمات مهندسی
  - ۳- آقای رضا رودباری خدمتگزار کتابخانه جیرفت
  - ۴- آقای موسی الرضاپور رمضان تیکانلو خدمتگزار کتابخانه قوچان
  - ۵- آقای چراغ رامک سرایدار خرم‌آباد
  - ۶- آقای محمد فخاری راننده قسمت نقلیه
  - ۷- آقای یوسف علایی فرد خدمتگزار کتابخانه آستارا
  - ۸- آقای رستمی کوهی
  - ۹- آقای محمد احمدی کارمند اداره پرسنل - قسمت بیمه و رفاه
  - ۱۰- آقای علی رفسنجانی اناری‌زاده خدمتگزار کتابخانه انار

### انتقال و تغییر سمت

- ۱- خانم صدیقه وفائی از کتابخانه مرکزی اصفهان به کتابخانه شماره ۱۱ تهران
- ۲- خانم همت اسفه از کتابخانه شماره ۱ آبادان به کتابخانه شماره ۲ آبادان
- ۳- خانم مینا نامور مسئول درجه ۲ کتابخانه جیرفت به کتابخانه‌های ناحیه تهران
- ۴- خانم سرور پوریا از کتابخانه شماره ۵ تهران به کتابخانه شماره ۲۰ تهران
- ۵- خانم گلبنو گل‌تاش از کتابخانه شماره

- ۲۰- تهران به کتابخانه شماره ۲ تبریز
- ۶- خانم اعظم میانجی از کارمندی اداره تدارکات به ماشین‌نویسی و بایگان مرکز گرافیک
- ۷- خانم نرگس دوستوندی از جانشینی مسئول درجه ۲ کتابخانه قصرشیرین به کتابداری کتابخانه شماره ۱ کرمانشاه
- ۸- خانم فیروژه پوریا مراد از کتابخانه شماره ۲ کرمانشاه به شماره ۱
- ۹- خانم زهرا وثوقی نصر از کتابخانه شماره ۱ کرمانشاه به شماره ۲
- ۱۰- خانم فوزیه عزیزپور از جانشینی مسئول درجه ۲ کتابخانه ایلام به کتابداری کتابخانه قصرشیرین
- ۱۱- خانم شوکت بندخت از کتابخانه سمنان به کتابخانه شماره ۸ تهران
- ۱۲- آقای علی فلاح از خدمتگزاری قسمت خدمات اداری به خدمتگزاری کتابخانه شماره ۲ بندرپهلوی
- ۱۳- آقای قربانعلی مزرعی نوحدانی
- ۱۴- ابوطالب حبیبی از قسمت تدارکات به مرکز تولید فیلمهای آموزشی
- ۱۵- خانم ویولت دکتر شریف از کارمندی امور آموزش به نظامت خوابگاه
- ۱۶- خانم مرضیه محمدعلیپور از ماشین‌نویس و بایگان قسمت پخش و فروش به کارمند مالی
- ۱۷- خانم فرزانه رشیدیان از ماشین‌نویس و بایگان منطقه یک به منشی مالی
- ۱۸- خانم اشرف‌السادات چرمی از مسئول درجه ۲ کتابخانه همدان به مسئول درجه یک
- ۱۹- آقای ارسلان ساسانی ثابت از کارمندی مرکز تهیه صفحه به راهنمای مرکز آموزشی فیلمسازی تشویق

خانم مینودخت ایزدی همکار عزیزمان، مسئول درجه ۲ کتابخانه شماره ۲ شیراز به پاس فعالیت‌های فوق‌العاده و قابل توجه‌شان در تشکیل نمایشگاه نقاشی‌ها و کتابهای کودکان مورد تشویق قرار گرفت. این تشویق بنابر پیشنهاد اداره کل فرهنگ و هنر فارس و تأیید مقام محترم مدیریت عامل کانون انجام گرفت.

با تبریک صمیمانه به این همکار گرامی برای ایشان توفیقات بیشتری را آرزو می‌کنیم.



# کتابخانه‌های روستائی

کتابهای جدید را جایگزین نمود. در گزارش فرهنگی مفید و دور از حشو و زوائدی که طبق معمول، از این همکار خوبان در دست داریم، می‌بینیم که کارهای فرهنگی و آدم‌های علاقمند را چه خوب می‌بیند و در ادامه کار همراه‌شان هستند.

از جمله می‌خوانیم که «از پایگاه‌های خوب این واحد سیار میتوان دبستان رازی روستای صلوات آباد را نام برد که دارای ۴۰۰ نفر عضو (کتاب‌خوان) می‌باشد. با همکاری معلمین و مدیر دبستان و مدرسه راهنمایی این روستا، قرائتخانه‌ای با موجودی ۵۰۰ جلد کتاب دایر و مورد استفاده دانش‌آموزان قرار گرفت. از جمله کارهای خوب این کتابخانه روستایی، میتوان معرفی دیواری کتابهای خورشید خانوم و پهلوان پهلوانان را نام برد که با همکاری دانش‌آموزان و با طرحهای جالب توجه انجام و تهیه شده است.» آقای رشیدیان در ادامه گزارش فرهنگی‌شان، همچنین از فعالیتهای بی‌دریغ سپاهی مامور خدمت در خانه فرهنگ روستایی «حسین‌آباد» دیواندره یاد می‌کند و نیز معرفی کتاب «باهم» قدسی قاضی‌نور در روستای «باقرآباد» و بابا برقی در روستاهای «کوله» و «نساره».

تمامی تلاشهای ارزنده در بالا را که از اندیشه‌های علاقمند نیروهای این آب و خاک بر می‌خیزد، گرامی میداریم.

## کتابخانه روستایی کرمان

بخلاف انتظار، در ماهی که گذشت کتابدار روستایی کرمان، بیشتر درگیر مسائلی غیر روستایی بوده است. از تنظیم و ارسال گزارش فرهنگی نیز خبری نیست. برگ سوم گزارش خط سیر حرکت ماهانه که می‌توانست منبع اطلاعات لازم باشد پیوست گزارش نبود. در مجموع تا حد امکان بروستاهاى تحت پوشش مراجعه و ۹۷۶ جلد کتاب جدید را با ۸۰۴ جلد کتاب خوانده شده تعویض نموده است.

## کتابخانه‌های روستائی ناحیه آذربایجان و زنجان

کتابخانه روستائی شماره یک رضائیه با طی ۲۴۹۹ کیلومتر راه به ۶۰ مدرسه روستایی مراجعه کرده، ضمن اجرای برنامه‌های فرهنگی در ۱۰ روستا موفق به جایگزینی ۴۱۱۰ جلد کتات جدید بجای ۳۷۹۹ جلد کتاب خوانده شده گردید.

آنچنانکه از پاسخ به گزارشات دفتر ناحیه می‌

بقیه در صفحه ۲۳

در ماهی که گذشت، از کتابخانه‌های روستائی کرمانشاه، سنندج، کرمان و چهار واحد سیار روستائی ناحیه آذربایجان و زنجان، گزارش فعالیت‌های ماهانه، بامور منطقه یک کتابخانه‌ها ارسال شد.

با نگاهی حتی «گذرا» حرکتی از سر علاقه و تلاشی ناشی از هدفداری، ضمن اجرای برنامه‌ها، مشاهده میشود و این بنوبه خود، نوعی بازیابی نقش یک «کارگزار فرهنگی» است.

اگر تنظیم دقیق گزارشات و اجرای بموقع برنامه‌ها، یک روی سکه باشد، ای بسا بارها شاهد آن «روی» دیگر نیز در «عمل» بودیم که چنین همکارانی را فی‌المثل، در کتابخانه‌های روستائی سنندج و کرمانشاه و چند جای دیگر می‌بینیم.

چند و چون تلاش‌های خوب را در زیر به «بررسی» می‌نشینیم:

## کتابخانه‌های روستایی کرمانشاه:

با مراجعه به ۷۰ روستای دارای کتابخانه و تحویل ۱۹۰۶ جلد کتاب بمدارس و دریافت ۱۴۹۳ جلد از کتابهای خوانده شده و با نگرشی در متن اجرای برنامه‌ها، تلاش ارزنده‌ای از کتابدار روستائی را می‌بینیم که در ۳۱ دبستان روستا و مراکز فرهنگی، به اجرای نمایش فیلم‌های کانون و دیگر سازمانهای مشابه می‌پردازد که ۳۱۵۷ نفر از کودکان و نوجوانان، توانستند از این برنامه‌ها بهره بگیرند.

دیدار ۲۳ نفر از نوآموزان عضو کتابخانه روستائی قریه «چقامیرزا» از کتابخانه کودک کرمانشاه و نمایشگاه کتاب و آثار تاریخی طاق بستان به مناسبت هفته کتاب، از دیگر برنامه‌هایی بود که این همکار صمیمی ما به آن دست یازیده است.

۲۹ نفر از اعضای کتابخانه روستایی قریه «جلو» و ۴۸ نفر از کتابخانه‌های روستائی قراء «سه‌چک» و «وچالا» با همکاری دفتر ناحیه غرب، در برگزاری دوازدهمین جشنواره فیلمهای کودکان و نوجوانان شرکت داده شدند. همه این کوششها، در بارور ساختن کتابخانه‌های کانون سهم ارزنده‌ای را بجای خواهند گذاشت.

## کتابخانه روستائی سنندج

کتابدار روستایی سنندج آقای خسرو رشیدیان در آبانماه ۴۰۵۵ جلد کتاب خوانده شده را از ۴۵ روستا جمع‌آوری کرده و بجای آنها، تعداد ۳۴۰۳ جلد از





## بزرگداشت روز مادر



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با همکاری صمیمانه بنگاه حمایت مادران و نوزادان از اول پائیز امسال مسابقه‌ای برگزار کرد که کودکان و نوجوانان کشور اعم از شهری، روستائی و عشیره‌ای در آن شرکت کردند.

بقیه در صفحه ۱۸